

صاحب امتیاز:
 خبرگزاری جمهوری اسلامی
 سردبیر:
 کمیل نقیپور

آدان شهر ۱۳۷۰۱ | آدان مغرب ۲۰/۲۷ | نیمه شب شرعی ۰۷/۱۱ | آدان صبح فردا ۴/۱۴ | طلوع آفتاب فردا ۵/۵۵

امام علی (ع):

ارزش هر انسانی، به آن چیزی است که نیک می داند.

سخن روز

نهج البلاغه: الحکمة ۸۱

نگاره
کیان راد پویان



هنرمندان در فضای مجازی

هنرمندان از روزهای پرکار خود می گویند اما خبر این روزهای فضای مجازی به درگذشت عثمان محمدریست اختصاص دارد. خبری که در بین اهالی موسیقی بازتآب گسترده‌ای داشت.

■ **تسلیمت سامی یوسف برای میراث موسیقی ایران**

درگذشت عثمان محمدریست خواننده و نوازنده‌ای که نواى «نوايى نوايى» با صدای او ماندگار است غمی بزرگ در بین اهالی هنر ایجاد کرد. هنرمندان زیادی از موسیقی گرفته تا سینما و تئاتر از او یاد کردند. سامی یوسف، آهنگساز، ترانه‌سرا و خواننده ایرانی ـ بریتانیایی با انتشار عکس نوشت: «او به هنر موسیقی به عنوان شکل دهنده هویت فرهنگی باور داشت. همیشه به خاطر انتقال موسیقی سنتی مقامی به نسل آینده و موسیقی بسیار زیبایی که روی ساز دوتار نواخت، که به گفته خودش باعث آرامش قلب‌ها و ذهن‌هاست به یاد خواهد ماند»، کیهان کلهر نوازنده و آهنگساز در صفحه خود فیلمی از دیدارش با عثمان محمدریست منتشر کرد و درباره او نوشت: «امانتدار و قدردان میراث گرانبهایی که از او گذشتگان پیش از او به‌جا مانده باشیم. ویدیویی کوتاه از سخنان این استاد مهربان که همه ایجاد شوق است و صدچندان کردن نوا



و تاب‌آوری طی همین چند کلمه» اسماعیل امینی، شاعر و استاد دانشگاه هم نوشت: «اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات/ روح شاد بزرگمرد هنر و شرافت/ گشت آزاد از تن و رنج جهان/ چنگی کی بود خاص خدا/ حبذا ای سزّ پنهان کنجا» حسین علیشاپور خواننده هم در صفحه خود نوشت: «عثمان دیگر نیست»، رضادر میشان کارگردان هم نوشت: «خرم آن نغمه که مردم بسیارند به یاد»، آریا عظیمی نژاد هم او را اسطوره تکرارنشدنی خواند. کوروش اسدیپور «خواننده موسیقی محلی، ترانه‌سرا و فعال فرهنگی بختیار تبار)، محمد یگانه (نوازنده، شاهنامه‌خوان، موسیقیدان مقامی ایرانی)، مبین درپور (خواننده تربت جام)، عباس سجادی (مدیر فرهنگی)، بلدا عباسی (نوازنده) و علی قنصری هم درگذشت این استاد را تسلیت گفتند.

■ **حوالی نمایشگاه کتاب**

مهدی غربایی مترجم کارکنشته در صفحه خود خبر از ترجمه کتاب جدید خود داده است. کتاب‌هایی همچون «گریه نکن بچه‌جان» اثر انگوگی واینوتکو، «گرما و غبار» اثر روت پریور جابلوا، «اول شخص مفرد» اثر هاروکی موراکامی، «دیار خوایگردی) اثر میا کوتو، کتاب «موج‌ها» اثر ویرجینا وولف، کتاب «هرگز ترک مکن» اثر کازونو ایشی گورو و کتاب «این ناقوس مرگ کیست؟» اثر ارنتس همنگوی که علاقه‌مندان می‌توانند از نشر افق تهیه کنند.



محمد کاظم کاظمی نویسنده هم در صفحه خود خبر از راه‌اندازی رسمی نشر طین و سخن توس به حمید حمزه‌نژاد

■ **چهره‌ها**



بهروز غریب‌پور با انتشار فیلمی از دآوری جشنواره شانوی کوردی یا تئاتر کوردی در سقز نوشت. دآوری متفاوت را او این‌گونه شرح داد: «این‌پار نه‌به‌عنوان نویسنده کارگردان و سرپرست گروه شهاب کردستان و اجرایی به‌زبان میهنی، فارسی بلکه به‌عنوان یک تماشاگر، داور به دیدن ۲۰ اثر به‌زبان کوردی، زبان مادری‌ام می‌نشستم و هرپار این زبان جادویی تئاتر مرا به دورت‌ها می‌برد.» او در ادامه نوشت: «درود بر این مردم، درود بر سرزمینی که می‌تواند به زبان‌های مختلف در کنار زبان رسمی و شگفت‌انگیز فارسی، بازیگر و کارگردان، نمایشنامه‌نویس و مترجم و... خودش را داشته باشد، به‌عنوان

■ **عکس روز**

صفحه اینستاگرام جایزه ارغوان عکسی از جلسه هیأت داوران خود با ماسک منتشر کرد و نوشت: «جلسه هیأت داوران بخش برنده برندگان پنجمین دوره جایزه ارغوان با حضور داوران محترم لیلی گلستان، احمد پوری، حسین سنایور، مزده دقیقی و ابوتراب خسروی و دبیر پنجمین دوره جایزه ارغوان اوژن حقیقی.»

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۴۰
 نمایر: ۸۸۷۶۱۴۵۴
 ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵

پایگاه: ۰۴۵۱۲۱۳
 ۳۰۰۰
 روایط عمومی /نشانی: تهران خیابان فرمشهر،شماره ۲۰۸

مصدوق پسنتی: ۵۳۳۸۸-۵۳۳۸۸ /
 امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۰۰۰

چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، چاپخانه همشهری ۲

سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱
 اثر شرکت NISCERT تهران خیابان فرمشهر شماره ۱۶ /
 پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)

انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۴۸۹۲
 http://irannewsaper.ir

خیام، شاعری که کم می‌نوشت

سید حسین نصر؛ حکیم عمر خیام سرنوشت عجیبی در تاریخ داشته است. تا قرن گذشته، خیام در ایران و سرزمین‌های فارسی زبان و اصولا ممالک اسلامی به طور کلی به‌عنوان یکی از ریاضیدانان و متفکران فلسفی تاریخ ما شناخته می‌شد و در حقیقت بزرگترین شخصیت فلسفی بین ابن سینا و خواجه نصیرالدین طوسی بود، البته کتاب جبر او از شاهکارهای مهم تاریخ ریاضیات بوده و است، ولی با ترجمه ریاضیات او به انگلیسی، شهرت فوق‌العاده‌ای در جهان یافت و اندیشه و شعر او به تمام دنیا اشاعه پیدا کرد، حتی یک نوع مکتبی به نام «خیام» به‌عنوان شاعری قلندر و بی‌اعتنا به امور دنیوی شکل گرفت. ریاضیات خیام در واقع مانند ریاضیاتی است که سایر بزرگان ما در جنب آثار فلسفی خود می‌سودند. ضرورت دارد که ما همه آثار خیام را مطالعه کرده و مورد بررسی قرار دهیم. او کم می‌نوشت و چند اثر کوتاه فلسفی در باب بحث «وجود» دارد که در خور توجه و به لحاظ فکری فوق‌العاده ارزشمند است، بخصوص اینکه از لحاظ تاریخ فلسفه اسلامی نیز بسیار مهم است.

بخشی از صحبت‌های استاد مطالعات اسلامی دانشگاه جورج واشنگتن به مناسبت روز ملی بزرگداشت خیام نیشابوری



نام نیکی که در تاریخ ماندگار شد

زنده‌یاد استاد عثمان محمد پرست معروف به عثمان خوافی از استادان دوتار نواز خراسان و از خَیَران مدرسه‌ساز بود. این هنرمند بزرگ، موسیقی را به‌صورت خودآموز آموخت. در دوران نوجوانی با‌عه‌ای از جوانان خواف آشنا می‌شود که در گوشه‌ای مشغول به دوتار نوازی بودند و از یکی از آن افراد خواهش می‌کند تا دتوارش را به او بدهد و بنوازد و سرانجام این دیدار و اتفاق منجر به دوستی می‌شود و مدت‌ها به همین روش دوتار نواخت، تا آنکه سال‌ها بعد اتاق کوچکی در خانه پدری اش ساخت و آن اتاق را پایگاه جوانان و دوستانش قرار داد. پدر و مادر عثمان مخالف موسیقی بودند و زمانی که متوجه شدند او به سمت دوتار نوازی رفته بسیار ناراحت شدند، اما با تمام این مخالفت‌ها، عثمان مسیرش را ادامه داد. استاد عثمان محمدر

پرست در دوران جوانی دوستی داشت به نام رضا شتردار که حرفه‌اش سربانی بود، شبی دوستش در منزل او میهمان شد و مشغول دوتار نوازی شدند که ناگهان متوجه شد پدرش محو تماشای ساز نواختن اوست؛ پیشانی عثمان را بوسید و گفت من بر این اندیشه بودم که مسیر نادریستی را انتخاب کرده‌ای اما از اینکه این مسیر را برگزیدی و اشعاری در وصف پیغمبر(ص) و ائمه اطهار(ع) می‌خوانی بسیار خوشحالم و از آن روز به بعد عثمان فعالیتش را به‌صورت جدی‌تر ادامه داد و ساز دوتاری هم خریداری کرد. در یکی از آن روزها متوجه صدای سازی از رادیو شد و با توجه به تجربیاتی که در این زمینه داشت بعد از پایان دوران سربازی تصمیم گرفت به گونه‌ای دوتار بنوازد که صدای سازش شبیه آنچه که از رادیو شنیده بود، باشد و برای این اساس تصمیم می‌گیرد پرده‌هایی به سازش اضافه کند بدی آنکه کسی به او بیاموزد و سرانجام بواسطه آشنایی با یکی از دوستانش که در خواف زندگی می‌کرد و تار ایرانی می‌نواخت و مشورت با او، این اتفاق صورت گرفت و به دوتار عثمانی معروف شد. ابداعاتی که او در موسیقی به‌وجود آورد موجب شد نوع لحن‌های نواختن با این ساز به موسیقی ردیف و دستگاهی نزدیک‌تر شود. در واقع با به کار بردن تکنیکی خاص نغمه نوایی را به روز کرد.

بعد از انقلاب عثمان محمدر پرست با افرادی آشنا شد که به منطقه خواف سفر کرده بودند و به عثمان پیشنهاد کردند در مناطق محروم مدرسه‌سازی کنند و عثمان هم با اشتیاق این همکاری را پذیرفت و مُمبُغ این انجمن که نامش یاری بود، گردید و در مجالس خیریه‌ای که برپا می‌شد، عثمان دوتار نوازی می‌کرد و هیچگاه دستمزدی بابت انجام این کار دریافت نکرد، اما نواست با همین ساز و آوازش ۹۰۰ در مدرسه در

مناطق محروم بسازد؛ کاری که کمتر هنرمندی به آن توجه داشته یا انجام داده حتی سلبریتی‌های هنر کمنام‌تر. به عقیده من اگر حرفه و هنر عثمان موجب شهرت او شده، به سبب لطف خداوند بر اوست و همچنین کارهای خیری که انجام داد. عثمان طی سال‌ها فعالیت دعر عرصه هنر هیچگاه شاگرد پوری نکرد و تنها یک شاگرد داشت که دامادش بود، حتی به‌دلیل دلخوری‌هایی که از جامعه داشت و نگاهی که به موسیقی بود، به فرزندانش توصیه کرد هیچگاه موسیقی را دنبال نکنند. در آخر باید بگویم استاد عثمان محمدر پرست یک هنرمند کاملاً مردمی و خودساخته بود و نام نیکش مانا در تاریخ فرهنگ و هنر ایران است.

۲۱ نگاه به روابط انسانی

مجموعه داستان کوتاه «کرونای‌ها همراه ندارند» پنجمین کتاب و سومین مجموعه داستان کوتاهی است که منتشر کردم. این مجموعه شامل ۲۱ داستان کوتاه است. آنچه در داستان همواره به آن فکر می‌کنم و در شخصیت‌پردازی‌ها و طرح‌های داستان‌هایم می‌آید، روابط میان انسان‌ها و مشکلات اجتماعی و برخی از وقایع است. داستان‌هایی مانند «آدم‌ها یک جور نیستند»، «چند تکه عتیقه»، «چای تلخ»، «گل گلدون که می‌زدی، نوجوان بوم» از جمله مواردی است که به‌خاطر‌ه آدم‌ها و نوع زندگی در عصر حاضر می‌پرداز. برخی از داستان‌ها مانند «ممد قاضی»، «می‌گفت که شگون ندارد»، «سیما آدم مانند نبود»، «ته ریش نشست به تیغ» به موضوع تنهایی انسان در این دوران توجه دارد و این معضل را در قالب شخصیت‌پردازی و طرح داستان گنجانده‌ام. از طرفی در برخی داستان‌ها به موضوع بیماری ناشی از ویروس کرونا پرداخته شده و فضای اجتماعی دو سال اخیر در قالب تک گویی روایت شده است. موضوع دیگری که در داستان‌های این مجموعه مورد توجه قرار گرفته، جزئیات روابط انسان‌هاست. مواردی مانند احساسات بیان شده و حرف‌هایی که هیچ وقت بموقع گفته نمی‌شود و در نهایت منجر به شکل‌گیری

یادداشت



کیوان ساکت

نوازنده تار و سه‌تار، آهنگساز

آنان که فضل و آداب شدند در جمع کمال شمع اصحاب شدند ره زین شب تار یک نبردند برون گفتند فسانه‌ای و در خواب شدند پیر چنگی جنوب خراسان عثمان محمد پرست پرواز کرد و دوستاناران خود را تنها گذاشت. در میان نوازندگان محلی، شاید کمتر نامی مانند عثمان شهره‌عام و خاص باشد و همه او را بشناسند. آنچه عثمان را بیش از هنر نوازندگیش در نوع خود یگانه کرد، در یادلی این نازنین مرد بزرگ جنوب خراسان بود. دلی داشت به اندازه تمام خراسان...

بیش از آنکه از هنرش بگویم که کم و بیش از چند و چون آن آگاه هستیم، باید اشاره‌ای داشته باشیم به کارهای نیک و خیره‌ای که عثمان در تمام طول زندگی‌اش هرگز لحظه‌ای از آن غافل نبود و نشد... او با راه‌اندازی انبویس رفت و آمد مردم زادگاهش خواف را به شهرهای دیگر آسان کرد. بویژه در کار ساختن مدرسه در جای‌های مناطق محروم ایران زمین در کنار بزرگان دیگری مانند زنده یاد مصطفی کاشانی، استاد کابلی و دیگر بزرگانی از مدرسه‌سازان بزرگ این آب و خاک می‌توان او را جای داد. سابقه آشنایی من با زنده‌یاد عثمان محمدر پرست به نزدیک ۴۰ سال می‌رسد. از آن روزگار که در زادگاهش خواف زندگی می‌کرد و همچنین در جای‌های مختلف مراسم خیریه، هرگاه که من بومد پیش از من، عثمان با تمام خستگی و ناتوانی آنجا حضور داشت تا خودش هم دستي در این کارها داشته باشد و همچنین تشویق و ترغیب مردم به انجام کارهای خیر. اینگونه است که نام یک هنرمند همواره بر سرلوحه نام‌ها خواهد درخشید و چه خوب هنرمندان معاصر بویژه کسانی که امروز هنرشان را بر سر مردم می‌کوبند و با هنرشان به مردم فخر می‌فرشند

و هرگز زبان آنها نبودند و هرگز هنر آنها بیان درد و رنج و آرزو و امید و شادی مردم نبوده، از عثمان بزرگ درس بگیرند. مرام عثمان با مردم بود و برای آنها بودن بود. گواه این سخن تک و تک کسانی است که با وی آشنایی داشتند. عثمان گرامی و ارجمند! یاد و خاطره او نوا ی دلنیزد پنجه‌های تو همواره در حافظه تاریخی و عاطفی و فرهنگی مردم فریخته این دیار خواهد ماند و تا زمانی که خراسان باشد و خراسانی، نامت به نیکی بر تارک هنرمندان این دیار خواهد درخشد.



عقد‌های درونی افراد می‌شود. مواجهه با فضا یا شخصی که در زمان و مکان درست قرار ندارد و همه این موارد می‌تواند منجر به شکل‌گیری مشکلات روان شناختی در افراد شود. داستان‌های این مجموعه از سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰ نوشته شده و مانند دو مجموعه داستان قبلی با عنوان «مرگ خاموش آقای نویسنده» و «زن‌ها همیشه همین‌طور هستند» در شهرهای رشت و تهران می‌گذرد. این مجموعه پس از داستان بلند «سمت چپ اتاق اول» که پیش از این منتشر شده بود، تقریباً آماده انتشار بود، اما با توجه به بیماری همه گیر کرونا، کمی در انتشار آن صبر کردم و در نتیجه داستان‌های دیگری هم به آن اضافه شد. در حال حاضر یک داستان بلند دیگر با موضوع یکی از حوادث که در سال‌های گذشته اتفاق افتاده، در دست دارم که شاید یک تا یک سال دیگر برای انتشار آن تصمیم بگیرم.

...



دلی به روشنی باغ ارغوان دارم که با طلوع صدا می‌کند هزاران را و چشم‌های من آن چشمه‌های تنهایی‌ست به دست سوخته نیولوفران رود آرام

و پای بر فلفی سبز

وه چه بیدارم

۳. آزاد

عزت نفس «مون»، ۵/

با صدقتی که پیش می‌رویم

آنچه بیش از هر چیزی بر شکل‌گیری عزت نفس با کاهش آن اثر می‌گذارد بدون تردید تجربه‌های کودکی و مهم‌تر از همه سبک فرزندپروری والدین است. کسانی که یاد می‌گیرند احساسات و افکار منفی خود را با تحسین دیگران جبران کنند، جایی در کودکی نتوانسته‌اند لذت دریافت پاداش درونی را تجربه کنند. احتمالاً آنها در

کودکی نیز به گونه‌ای تربیت شده‌اند که برای رضایت والدین کاری را انجام دهند و خودمختاری و استقلال آنها نادیده گرفته شده است یا مدام در معرض انتقاد بوده‌اند. اینکه والدین با موقفیت‌ها و شکست کودکان چگونه برخورد می‌کنند در شکل‌گیری عزت نفس نقش مهمی دارد. کودکی که احساس کند حرف‌هایش شنیده می‌شود و والدینش با احترام و قبول احساسات او با او سخن می‌گویند و مهم‌تر اینکه بدون شرط به او محبت می‌کنند، می‌تواند یاد بگیرد از کودکی به شکست‌هایش اعتراف کند و نگران از دست دادن محبت دیگران یا احساسات منفی درون خودش نباشد. بسیاری از والدین فکر می‌کنند باید کودکان خود را بدون نقص بزرگ کنند و این بزرگ‌ترین لطمه را به عزت نفس او می‌زند.

وقتی از عزت نفس سخن می‌گویم بیشتر یک حس ارزشمندی درونی است که گرچه در رفتار نمود دارد ولی نمود آن در رفتار همیشه یکسان نیست. مثلاً ممکن است شما کسی را ببینید که شاد و موفق هم هست اما درونش از شکست وحشت دارد. به او که نزدیک شوید گویی همیشه با یک ترس بزرگ زندگی می‌کند که زیر یک کمال‌گرایی پنهان شده است. افرادی را ممکن است ببینید که همیشه خشم و ناخشنودی‌شان نسبت به زندگی عریان است، اما کسانی هستند که این خشم را معطوف به خود می‌کنند و همیشه در تلاش هستند ثابت کنند قضاوت دیگران برایشان مهم نیست و کسانی هستند که به شکل عیانی منتظر یک نجات‌دهنده هستند و همیشه خود را قربانی می‌دانند.

نداشتن عزت نفس همیشه یک چهره ندارد اما برای داشتن عزت نفس معمولاً عبور از یک مسیر مشخص صورت می‌گیرد که در قدم‌های اول پذیرش ویژگی‌های منفی در خود‌مان ظاهر می‌شود. دیده‌اید کسانی را که مدام می‌گویند از آدم‌های حسود بیزاریند یا این ویژگی را در دیگران بخوبی تشخیص می‌دهند؟ احتمالاً آنها از وجود بخش حسود خود بسیار فراری هستند. در واقع این فرد حسود است اما آن را مدام به دیگران نسبت می‌دهد. می‌گویند شما نمی‌توانید خودتان را برای عملی ببخشید و سعی در جبرانش داشته باشید وقتی مرتکب شدنش را قبول نمی‌کنید! پس قدم اول پذیرش خود و رصد عزت نفس اعتراف است. اعتراف به اینکه هیچ کدام از ما انسان‌های کاملی نیستیم. حتماً دیده‌اید افرادی را که نمی‌توانند یا خود‌شان خلوت کنند. در خلوت افکار و احساسات منفی چنان به آنها هجوم می‌آورد که گویی بهتر است همیشه در شلوغی و ازدحامی از دوستان و کار و... خودشان را گم کنند.

روایت همه ما انسان‌ها روایت‌هایی از نقصان‌هایی است که اگر نتوانیم آنها را بخوبی روایت کنیم، نمی‌توانیم گره‌های این روایت را بشناسیم و حل کنیم. برای خوب روایت کردن نقص‌ها اول باید آنها را ببینیم. باید بتوانیم احساس‌هایی را که با دیدن نقص‌هایمان در ما ایجاد می‌شود، ببینیم. در این مسیر گام به گام که پیش بیاییم می‌توانیم گره‌های زندگی را نیز ببینیم، تحلیل کنیم و حل کنیم؛ در غیر این صورت گذشته ما می‌شود پر از گره‌هایی که جریان مسیر آینده را مسدود می‌کند. با خودمان صادق باشیم.



عکس نوشت

پیکر مرحوم محمدریست در ضلع شرقی آرامستان خواجه یار شهر خواف به خاک سپرده شد. / ایسا